

پس موسی از دشتهای موآب به قلعه بیسگاه در کوه نیو که برابر آریحاست برآمد، و خداوند تمامی زمین را به او نشان داد، از جلعاد تا دان، 2 تمامی نفتالی و قلمرو افرایم و منسی، و تمامی سرزمین یهودا را تا دریای غرب، 3 و صحرای یگب، و دشت، یعنی وادی آریحا را که شهر نخلستان است، تا صوغر 4. و خداوند وی را گفت: «این است سرزمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند خورده، گفتم آن را به نسل شما خواهم داد. تو را رخصت دادم به چشمان خود آن را ببینی، اما بدانجا عبور نخواهی کرد» 5. پس موسی، خدمتگزار خداوند در آنجا، در سرزمین موآب، بر طبق کلام خداوند درگذشت، 6 و او را در سرزمین موآب، مقابل بیتفعور، در وادی به خاک سپرد، اما تا به امروز کسی نمی‌داند قبر او کجاست 7. موسی به هنگام وفات، یکصد و



بیست سال داشت؛ نه چشمانش تار و نه نیرویش کم شده بود 8. و بنی اسرائیل سی روز در دشتهای موآب برای موسی گریستند. پس روزهای زاری و ماتم برای موسی به پایان رسید.

در هنگامی نوزادی موسی، مادرش مجبور شد او را در سبزی رها کند تا توسط سربازان مصری کشته نشود. موسی در آنجا نجات یافته بود. او توسط شاهزاده مصری نجات یافت و بعدها در میان مصریان به فرد شناخته شده ای تبدیل شد. اما خدا نقشه دیگری برای او داشت. قرار بود قوم خود را از اسارت به سرزمین موعود خارج کند. اما این مسؤلیت اصلی او نبود. مهم ترین میراث او، ۵ کتاب موسی بود که به آنها تورات می‌گویند. در این ۵ کتاب، خداوند اراده مقدس خود را برای ما انسانها آشکار کرد. به همین دلیل است که ترجمه تورات، «دستورخداوند است». امروز قسمتی از آخرین آیات تورات را خواندیم. و درباره مرگ و دفن موسی است. این نکته قابل توجه است که موسی تنها در گذشت! همانطور که در کودکی در سید تنها ماند، در روز مرگش نیز تنها بود. و با این حال او هرگز کاملاً تنها نبود. هم در سیدش در رودخانه و هم در آخرین ساعت زندگی خود، خدا همیشه در کنار او بود. نکته قابل توجه تر این است که خداوند اینقدر نزدیک در کنار موسی بود. خدا حتی شخصاً او را لمس کرد و او را دفن کرد. این واقعیت حتی قابل توجه تر است زیرا لمس کردن یک جسد به طور کلی در دین یهودیت به عنوان نجس در نظر گرفته می‌شد. اگر کسی به هر طریقی در اطراف یک جسد بود، قبل از اینکه بتواند به جامعه بازگردانده شود، بایستی بسیاری از پاکسازی های آیینی را انجام دهد. این حقیقت که خداوند موسی مرده را لمس کرد برای یهودیت آنقدر بیگانه و غیر عادی بود که برخی از نویسندگان یهودی این قسمت را از عهد عتیق حذف کرده اند. و با این حال، فکر می‌کنم که خود این حقیقت که خدا موسی مرده را لمس کرد، یک راز مهم را آشکار می‌کند. اگر به ابتدای تورات برگردیم، به قطعه ای به همان اندازه قابل توجه می‌رسیم که خداوند انسان را نیز با دستان خود لمس کرد. او آدم را از خاک ساخت و تنها به دست خدا آدم به یک شخص واقعی تبدیل شد. بنابراین اولین خطوط تورات با این واقعیت آغاز می‌شود که خداوند با دستان خود زندگی انسان را شکل داد. در پایین همین تورات خدا جسد موسی را لمس کرد و او را به همین خاک سپرد که آدم را از آن ساخت. همه چیز از دست خدا شروع می‌شود و نیز به دست او پایان می‌یابد. برای بسیاری از مردم این واقعیت غیرقابل درک است. و به همین دلیل است که سعی می‌کنند این دو متن را تغییر دهند یا آنها را به گونه ای متفاوت تفسیر کنند. به عنوان مثال، گفته می‌شود که خداوند واقعاً به مردم دست نزده است، بلکه باید این وقایع را به صورت نمادین درک کرد. اما این یک اشتباه است. زیرا اگر خداوند ما را از لحاظ جسمانی لمس نکند، مجبوریم خدا را از دور دست نگاه کنیم. در این صورت خدا جدا از ما انسان ها دیده می‌شود که در زندگی ما دخالت نمی‌کند و در غیر این صورت به آنچه برای زندگی ما اتفاق می‌افتد اهمیت نمی‌دهد. یا به قول بعضی ها: «خداوند مسئول روح است، اما خودمان باید مراقب بدن باشیم.» نه، این اشتباه است. عیسی همچنین گفت که خدا حتی تمام موهای بدن ما را شمرده. تورات به ما می‌گوید: بدون دست خدا جسمی نیست! و این نه تنها در آنجا تأکید می‌شود، بلکه بارها و بارها می‌توانیم در کتاب مقدس بخوانیم که خدا از نظر فیزیکی در زندگی ما حضور دارد. به عنوان مثال، در مزمور ۱۳۹، نوشته شده است که خدا از قبل زمانی که فقط جنین بودیم ما را می‌شناخت. در اشعای نبی می‌خوانیم که خداوند قبل از اینکه او پیامبر شود بایستی لب های او را لمس می‌کرد. به همین دلیل خدا بدن ما را از طریق عیسی مسیح پذیرفت و در نتیجه خودش آسیب پذیر شد. سپس عیسی در طول زندگی خود بر روی زمین به طور فیزیکی نزد مردم رفت، دستان خود را بر روی آنها گذاشت و آنها را از بیماری هایشان شفا داد. بنابراین، همچنین مهم است که ما رابطه خود را با خدا به صورت فیزیکی درک کنیم. به همین دلیل باید در غسل تعمیدمان حضور فیزیکی داشته باشیم. ما نمی‌توانیم غسل تعمید را به صورت آنلاین انجام دهیم. همچنین نمی‌توان شخص دیگری را به جای ما تعمید داد. آب باید روی بدن خودمان جاری شود. و نام خدا باید بر بدن ما گفته شود. و بنابراین ما از نظر فیزیکی به خدا متصل می‌شویم. به همین ترتیب، یک مراسم آنلاین تنها شکل ضعیفی از مراسم حضوری است. خدا می‌خواهد ما را به صورت شخصی و فیزیکی ملاقات کند. بنابراین، او از ما می‌خواهد که بدن و خون عیسی مسیح را به صورت فیزیکی در یافت کنیم. در نهایت خداوند ما را پس از مرگ نیز زنده خواهد کرد و ما خدا را با چشمان فیزیکی خواهیم دید.

در داستان مرگ موسی، همه این اتفاقات آشکار می‌شدند. خداوند در آخرین ساعت زندگی موسی نزد او بود. خدا دست او را گرفت و سرزمین شگفت انگیز را که به قوم اسرائیل قول داده شده بود به او نشان داد. به او اجازه داد نگاهی اجمالی به آینده داشته باشد، اگرچه خود موسی در این آینده نقشی نداشت. اما آیا با داشتن قسمتی از خدا در آینده هم سهمی نداشت؟ در مزمور ۷۳، ۲۶ مشخص می‌شود که سهم ما در خدا حتی مهم ترین سهمی است که داریم. «تن و دل من ممکن است زائل شود، اما خداست صخره دلم و نصیبم، تا ابد...» در مرگ موسی، آنچه را که مزمور می‌خواند به شیوه ای بسیار عملی می‌بینیم. موسی زندگی خود را به تنهایی آغاز کرد و به تنهایی به پایان رساند - و با این حال خدا همیشه بخشی از زندگی او بود. مخصوصاً در مرگ او خدا خیلی نزدیک بود و حتی دست هایش را کتیف می‌کرد هنگامی که چاله برای جسد موسی کند و او را در آن خاک سپرد. از نظر فیزیکی خدا نزدیک بود. و با این کار، خیلی واقعی به صورت فیزیکی هم در کنار ما است. و اگر خدا بخواهد اینقدر نزدیک به ما باشد، می‌دانیم که حتی مرگ هم نمی‌تواند ما را از این عشق خدا جدا

کند. داستان مرگ موسی برای ما اهمیت ویژه ای دارد، زیرا امروز به بسیاری از کسانی که در سال گذشته مرده اند فکر می کنیم. ما به مرگ و میری که از کرونا ناشی می شود هم فکر می کنیم. برخی مانند موسی مجبور بودند به تنهایی بمیرند و به خانواده یا عزیزانشان دسترسی نداشتند. اما اگر در خدا بودند تنها نبودند. آه، کاش همه ما می توانستیم مثل موسی بمیریم و در دستان خدا بمانیم. کاش بدانیم: خدا نصیب ما است، حتی اگر همه چیز به پایان برسد! آه، کاش می توانستیم با هر نفسی که می کشیم، درک کنیم که خدا در درون ماست و زندگی را فرمانروایی می کند. دقیقاً به همین دلیل است که ما هر روز دعای معروف مارتین لوتر را می خوانیم: "من خودم، جسم و روح و همه چیز را به دستان تو می سپارم!" و با این کار از طریق خدا سهم کامل در اختیار داریم. در مورد همه ما هم همینطور است. ما فقط یک دوره کوتاه در این دنیا زندگی می کنیم. زندگی ما شروع و پایانی دارد. اما از طریق عیسی به وعده های بزرگ خدا می رسیم که بیکران است. ما در خدا و در دنیای او نصیب می گیریم. دیتریش بونهوفر که در جنگ جهانی دوم توسط ناسیونال سوسیالیست ها اعدام شده بود، چند روز قبل از مرگش دقیقاً در مورد همین قسمت از کتاب تنبیه تفسیر داد. مرگ موسی برای او تمرینی برای مرگ خودش بود. موسی به مرگ فرو رفت. و با این حال به او اجازه داده شد که نجات خدا را از دور ببیند. به همین ترتیب، اندکی قبل از مرگش، بونهوفر اجازه یافت ببیند که وعده های خدا به او نیز صدق شده است. او می نوشت: «وقتی شب مرگ اکنون مرا فرا می گیرد، می توانم نجات تو را از دور لمس کنم. سرزمین مقدس، من تو را مانند عروسی آراسته زیبا و با شکوه می بینم!» آمین.